



## Research Article

# The effectiveness of Seligman parenting training on child abuse tendencies and parenting self-efficacy in mothers with a history of child abuse

M. Moradi<sup>1</sup>, Z. Yousefi<sup>2\*</sup>, M. Bahramipour<sup>3</sup>

1. PhD Student in Counseling, Faculty of Educational Sciences, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran.
- 2\*. Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Educational Sciences, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran. Corresponding Author: z.yousefi@khuif.ac.ir,
3. Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Educational Sciences, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran

### Abstract

The aim of this study was to investigate the effectiveness of Seligman parenting training on child abuse tendencies and parenting self-efficacy in mothers with a history of child abuse in Isfahan. The quasi-experimental research method was pretest-posttest with follow-up. For this purpose, among the clients of social emergency centers in 2020, 40 mothers with a history of child abuse were selected through the available sampling method and randomly assigned to experimental and control groups. Subjects in both groups answered the questionnaires on child abuse tendency (Shamaizadeh Yousefi, 2018) and parenting self-efficacy (Dumka, 1996) in the pre-test, post-test, and follow-up stages. The experimental group received 8 sessions of 90-minute Seligman parenting style training but the control group did not receive any training. To analyze data from descriptive statistical methods (mean and standard deviation) and inferential statistical methods (Analysis of variance of repeated measures) were used. The results showed that Seligman parenting style training generally reduces the tendency to child abuse and also increases the self-efficacy of mothers with a history of child abuse ( $P < 0.05$ ). As regards to results, it can be said, to improve child abuse tendency and parenting efficacy, Seligman parenting is a suitable method among women with a history of child abuse.

**Keywords:** Seligman Parenting Style, Child Abuse, Parenting Self-efficacy.

**Citation:** Moradi M, Yousefi Z, Bahramipour M. (2022). The effectiveness of Seligman parenting training on child abuse tendencies and parenting self-efficacy in mothers with a history of child abuse. *Journal of Social Psychology*. 10(63), 17-31.

## اثر بخشی آموزش شیوه فرزند پروری سلیگمن بر گرایش به کودک آزاری و خودکارآمدی والدگری در مادران دارای سابقه کودک آزاری

محمود مرادی<sup>۱</sup>، زهرا یوسفی<sup>۲\*</sup>، منصوره بهرامی پور<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری مشاوره، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.  
۲. استادیار گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران. نویسنده مسئول: z.yousefi@khuisf.ac.ir  
۳. استادیار گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

### چکیده

این پژوهش با هدف بررسی اثربخشی آموزش شیوه فرزندپروری سلیگمن بر گرایش به کودک آزاری و خودکارآمدی والدگری در مادران دارای سابقه کودک آزاری در شهر اصفهان انجام شد. روش پژوهش نیمه آزمایشی از نوع پیش آزمون- پس آزمون- پیگیری با گروه کنترل بود. بدین منظور از بین مراجعین مراکز اورژانس اجتماعی در سال ۱۴۰۰ به روش نمونه گیری در دسترس ۴۰ نفر از مادران دارای سابقه کودک آزاری که علاقمند به همکاری بودند انتخاب شده و بطور تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل جایگزین شدند. آزمودنی‌های هر دو گروه پرسشنامه‌های گرایش به کودک آزاری (شمایی زاده ویوسفی، ۱۳۹۷) و خودکارآمدی والدگری (دومکا، ۱۹۹۶) را در مراحل پیش آزمون پس آزمون و پیگیری پاسخ دادند. گروه آزمایش ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای آموزش سبک فرزندپروری سلیگمن را به صورت دوبار در هفته و به مدت چهار هفته دریافت نمودند، گروه کنترل در این مدت هیچ نوع آموزشی دریافت نکردند. پس از اجرای آموزش مذکور پس از دو ماه هر دو گروه مورد پیگیری قرار گرفته و پرسشنامه‌های مورد پژوهش را پاسخ دادند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) و استنباطی (تحلیل واریانس اندازه‌های تکراری) استفاده شد. نتایج تحلیل واریانس اندازه‌های تکراری نشان داد که آموزش سبک فرزندپروری سلیگمن به طور کلی باعث کاهش گرایش به کودک آزاری و نیز افزایش خودکارآمدی مادران دارای سابقه کودک آزاری می‌شود ( $P > 0.05$ ). با توجه به نتایج حاصل می‌توان گفت یکی از روش‌های موثر برای کاهش گرایش به کودک آزاری و بهبود خودکارآمدی مادران دارای سابقه کودک آزاری می‌تواند آموزش سبک فرزندپروری سلیگمن باشد.

**کلمات کلیدی:** سبک فرزند پروری سلیگمن، کودک آزاری، خودکارآمدی والدگری

## مقدمه

دوران کودکی به عنوان زیر بنای رشد و تکامل در نظر گرفته می‌شود و تعلیم و تربیت کودک از بزرگ‌ترین وظایف والدین است. زندگی با کیفیت در کودکی، ضامن ظهور انسان خلاق و توانمند در دوران پس از آن است (همتی، علیدوستی، ۱۳۹۱). کودک بیش از هر محیط دیگری تحت تاثیر محیط خانواده خود است. رشد جسمانی و روانی کودک خصوصا در سال‌های اولیه کودکی تا حدود زیادی تحت تاثیر محیط خانوادگی و شرایط زندگی پدر و مادر است. در واقع امکانات و بضاعت‌های فکری و فرهنگی خانواده در رشد روانی کودک نقش مهمی را ایفا می‌کند (قربانی، جمعه‌نیا، ۱۳۹۷). یکی از مسایل مهمی که رشد طبیعی کودکان را مختل می‌نماید کودک آزاری است. شواهد محکمی وجود دارد که بدرفتاری در دوران کودکی دارای پیامدهای طولانی مدت بهداشت روان است و این تجربیات نامطلوب کودکی منجر به یک بحران جدی در بهداشت عمومی کودکان می‌شود (پارکر، نیمروف<sup>۱</sup>، ۲۰۲۱). در تعاریف مختلف دیدگاه‌های پزشکی و اجتماعی و قانونی که از کودک آزاری وجود دارد یک مفهوم مشترک به چشم می‌خورد: نوعی رفتار والدین یا مراقین کودک که رفاه و سلامت روانی و جسمی کودک را در معرض تهدید قرار می‌دهد یا به آن آسیب می‌زند. در کشور ایران ۱۲ درصد کودکان مراجعه کننده به درمانگاه‌های تخصصی اورژانس دچار آسیب جسمی بوده که والدین عامل این آسیب‌ها بوده‌اند. هر چقدر سن کودک پایین‌تر باشد میزان کودک آزاری بیشتر بوده و آزار معمولاً توسط مراقبین (والدین، پرستار کودک، مراقبین مراکز نگهداری، خویشاوندان) انجام می‌شود. حدود ۷۸ درصد آزارها توسط والدین صورت می‌گیرد (درخشان‌پور، محمودی‌قزائی، تهرانی‌دوست و همکاران، ۱۳۹۸). هریک از انواع بد رفتاری دستکم با چندین مورد از خطرات بهداشتی کودکان مرتبط است که شامل خود گزارش دهی افسردگی، ضعف سلامت عمومی، رفتارهای خشن شامل نزاع و صدمه به دیگران و غیره می‌باشد. در مسامحه یا غفلت اغلب وضعیت جسمی و روانی یا هیجانی کودک به دلیل ناتوانی والد یا مراقب در فراهم آوردن غذای کافی سرپناه، آموزش یا نظارت مختل می‌شود. در انواع شدید غفلت نارسایی رشد وجود دارد (توس، مانلی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸). کودکان آزار دیده در همه جنبه‌های جسمی ذهنی روانی اجتماعی با مشکلات و نارسایی‌های فراوان روبرو خواهند بود. بسیاری از کودکانی که در دوران کودکی خود قربانی آزار و بدرفتاری بوده‌اند در بزرگسالی خود به آزار کودکان دیگر خواهند پرداخت و این بزرگترین زیان کودک آزاری است که سبب تداوم آن می‌شود (لیپارد، نیمروف<sup>۳</sup>، ۲۰۲۰). اغلب مرتکبین کودک آزاری، والدین هستند. نگرش والدین نسبت به کودکان و رفتارهایشان در قبال آنها، یکی از علل مهم کودک آزاری آنهاست. در موارد زیادی کودک آزاری ناشی از عدم آگاهی راجع به نحوه تعامل درست با و پیامدهای این پدیده است. همچنین ممکن است والدین باورها و نگرش‌های غلطی داشته باشند که باعث شود رفتارهای کودک آزاری موجه جلوه نماید (حلاج مزیدلویی، اصغری، جبریلی و همکاران، ۱۳۹۳).

- 
- 1 1-Parker & Nemeroff
  - 2 2-Toth & Manly
  - 3 3-Lippard & Nemeroff

والدینی که از خودکارآمدی والدگری کافی برخوردار نیستند در زمینه تعامل با کودک خود مهارت کافی نداشته و در تربیت فرزند خود دچار مشکل میشوند. طبق نظریه آلبرت بندورا خودکارآمدی، اعتقاد یا باور فرد به توانایی خود جهت موفق شدن در یک وضعیت خاص است که عامل تعیین کننده چگونگی تفکر، رفتار و احساس افراد می باشد. خودکارآمدی می تواند بر حالت های روانی، رفتارها و انگیزه ها تاثیر داشته باشد (زندى نیا، ۱۳۸۸). خودکارآمدی والدینی یا اعتقاد والدین به توانایی آنها در تأثیرگذاری فرزندشان به روشی سالم و موفقیت آمیز، به عنوان یک عامل اصلی در ارتقا عملکرد سالم والدین و فرزندان آنها مطرح است (البنیس، روسو، ۲۰۱۹). خودکارآمدی والدینی به ارزیابی والدین نسبت به توانایی خود در ایفای موفقیت آمیز نقش والدگری اطلاق می شود. بنابراین افرادی که به توانایی ها و مهارت های خود در نقش والد اعتماد داشته باشند، خودکارآمدی بالاتری را احساس می کنند (اسکندری، پورا اعتماد، حبیبی و همکاران، ۱۳۹۵). خودکارآمدی والدینی تاثیر به سزایی بر نحوه تعاملات والد، کودک و کیفیت والدگری دارد. بر این اساس والدینی که خودکارآمدی بالاتری دارند، گرایش بیش تری به استفاده از روش های مثبت والدگری مثل پاسخ گو بودن، حساس بودن، گرمی، تحریک کنندگی، استفاده از سبک های کارآمد سازگاری و مراقبت بدون تنبیه دارند. برعکس والدینی که خودکارآمدی پایین تری دارند، گرایش به استفاده از شیوه های خشن، تهدیدآمیز، پرخاشگرانه و استفاده از سبک های ناکارآمد دارند (شکوهای یکتا، شهبابی، ۱۳۹۷).

والدینی که توانایی کافی برای برقراری ارتباط عاطفی با کودک را ندارند یا نسبت به مراحل رشد و تکامل کودک آگاه نیستند یا نمی توانند نیازها و رفتارهای کودک را درک کرده و به همین دلیل رفتارهای نادرست کودک خود را عمدی قلمداد میکنند. همچنین والدینی که نسبت به رفتارهای نادرست کودک خود روش های تنبیهی نامناسبی را انتخاب می نمایند و والدینی که نسبت به ویژگی های روحی و روانی خود نا آگاهند یا از مشکلات روحی روانی و حتی جسمی رنج می برند و نسبت به آن بی تفاوتند و به طور کلی فاقد مهارت های فرزند پروری هستند همگی می توانند خواسته یا نا خواسته دست به خشونت و آزار علیه کودک خود بزنند (درخشان پور، محمودی قرائی، تهرانی دوست، و همکاران، ۱۳۹۸). سبک های مختلف فرزند پروری تا کنون ابداع شده که از جمله سبک فرزند پروری سلیگمن و سبک فرزند پروری مثبت و سبک فرزند پروری آدلری و غیره می باشند که امروزه در حال آموزش بوده و پرورش کودک شاد و خوش بین را آموزش می دهند. مارتین سلیگمن معتقد است که فرزند پروری دارای سه اصل مهم است. نخست داشتن هیجان مثبت والدین که باعث ایجاد منابع فکری اجتماعی و جسمی می شود. دوم تقویت هیجان مثبت کودک به منظور شروع یک مارپیچ صعودی است. سوم جدی گرفتن هیجان مثبت کودک به اندازه هیجان منفی و همچنین جدی گرفتن قابلیت های کودک به اندازه نقاط ضعفش می باشد (سلیگمن و همکاران<sup>۲</sup> ۲۰۱۵). طبق نظریه کودک خوش بین سلیگمن بهترین سبک فرزند پروری پرورش کودک خوش بین است که در آن چند محور اصلی مورد تاکید است. از جمله این موارد آشنایی

1 4-Albanese, Russo & Geller.

2 5\_seligman.martin, Reivich.karen, jaycox.lisa, & Gilham.jane.

با انواع مادران کارآمد و نا کارآمد، پرورش مردان و زنان قوی و اجتماع دوست، روش‌های غلط و درست فرزند پروری، نحوه انتقاد و سرزنش کودک، منابع بدبینی، آشنایی با خوش بینی و سبک‌های علت یابی مشکل و آموزش حل مسئله در والدگری می‌باشد (سلیگمن و همکاران، ۲۰۱۰). افراد منفی‌گرا و بدبین به احتمال بیشتری در برابر در ماندگی تسلیم می‌شوند و همین احتمال بروز افسردگی و بیماری‌های جسمی در این افراد را بیشتر می‌کند. افراد مثبت اندیش و خوش بین هرگاه با مشکلات حل نشدنی روبه رو می‌شوند در برابر آن مقاومت نموده و تسلیم نمی‌شوند. والدین خوش بین می‌توانند اعتماد، ابتکار عمل، اشتیاق، مهربانی و غرور را به فرزندانشان آموزش دهند (کایدا، کایدا، ۲۰۱۹).

پژوهش‌های مختلفی تاکنون در زمینه کودک آزاری و خود کارآمدی والدگری انجام شده است، از جمله سعادت، یوسفی و گل پرور (۱۳۹۹) نشان دادند والدینی که در برنامه ۸ جلسه ای آموزش والدین به شیوه استپ شرکت کرده بودند، کیفیت روابط والد کودک بیشتر، خودکارآمدی والدگری بهتر و انعطاف پذیری شناختی بیشتری کسب کردند. حاجلو، محبوب، بشرپور، (۱۳۹۸) سبک فرزندپروری مقتدرانه، آزار جسمی، غفلت جسمی، آزار و غفلت عاطفی و ایمنی هیجانی را موثر در پیش بینی قلدری دانستند. عظیمی‌فر، جزایری، فاتحی زاده، عابدی (۱۳۹۷) آموزش سبک فرزندمی مبتنی بر پذیرش و تعهد را موثر تر از آموزش مدیریت والدین بر خودکارآمدی والدینی مادران دارای کودکان دچار مشکلات رفتاری دانستند. دانشمند خوراسگانی و یوسفی (۱۳۹۶) در پژوهش خود نشان دادند که تغییر سبک فرزند پروری بر پایه اصلاح طرحواره‌های ناسازگار در مادران دارای کودکان دچار مشکلات رفتاری باعث بهبود این اختلالات می‌شود. فتحی آشتیانی، شرفی و شریعتی (۱۳۹۵) نتیجه گرفتند که فرزند پروری مثبت تنها بر کاهش نگرش نادرست مادران به کودک آزاری و افزایش انضباط قاطعانه آن‌ها تاثیر دارد. رسولی، رضاییان و جولکی (۱۳۹۴) آموزش‌های شناختی رفتاری به والدین کودک آزار را بطور قابل ملاحظه ای موثر در کاهش گرایش والدین به کودک آزاری دانستند. حبیبی، عمو پور و فلاح (۱۳۹۲) آگاه سازی آموزشی والدین را عامل موثر در کاهش کودک آزاری در والدین عنوان کردند. گریفیت<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) شیوع بیماری کووید ۱۹ که باعث افت عملکرد و فرسودگی شغلی والدین می‌شود در ارتکاب والدین به بدرفتاری با کودکان دخیل دانست. کامیلو، گاریدو، کالهیروس<sup>۳</sup> (۲۰۲۰) سبک‌های فرزند پروری ناسازگارانه و نیز عوامل شناختی از قبیل نگرش‌های مرتبط با فرزند پروری را از جمله عوامل کودک آزاری دانستند. شان، یانگ و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۹) آموزش تعاملات مثبت والد و کودک را هم در کاهش ارتکاب به کودک آزاری و هم پیشگیری از تبعات بعدی کودک آزاری موثر دانستند. آلبنیس، روسو و گیلر<sup>۵</sup> (۲۰۱۹) خودکارآمدی والدینی را در روابط والد کودک همچنین بهزیستی روانشناختی کودکان موثر قلمداد کردند. رادولف و زیمر<sup>۵</sup> (۲۰۱۸) اقدامات پیشگیرانه از کودک آزاری توسط والدین را در صورتی که دانش خود را به کودکان خود منتقل کنند موثر دانستند. چن

- 1 6\_Kaida & Kaida.
- 2 7\_Griffith
- 3 8\_Camilo, Garrido & Calheiros
- 4 9-Yang, Liu, Yang, Huang, Song, Wang, & Zhou
- 5 10\_Rudolph & Zimmer Gembeck

و چن<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) آموزش والدین و همچنین کنترل عوامل مرتبط با کودک آزاری را موثر در کاهش گرایش والدین به کودک آزاری اما بی تاثیر بر کنترل استرس والدین دانستند. به هر حال هر ساله سازمان بهزیستی با مسئله کودک آزاری به عنوان یک بحران شهری روبه رو است و بدنبال روش‌های کاهش این بحران فردی، خانوادگی و اجتماعی است از سوی دیگر اهمیت موضوع ضرورت بررسی روش‌های جدید کاهش این پدیده را برجسته می‌نماید، همچنین مروری بر پژوهش‌ها نشان داد که تا کنون روش فرزندپروری مثبت سلیگمن بر کاهش گرایش به کودک آزاری و بهبود خودکارآمدی والدین استفاده نشده است. نتایج چنین پژوهشی می‌تواند در تهیه بسته‌های درمانی و پیشگیری در زمینه متغیرهای پژوهش موثر باشد. به هر حال عدم کفایت و نا شایستگی به هر حال عدم کفایت والدین خصوصاً مادر، می‌تواند به مسائل و مشکلاتی از قبیل کودک آزاری توسط آن‌ها منجر گردد. بنابر این به نظر می‌رسد بهبود روش فرزند پروری و خود کارآمدی به کمک سبک فرزند پروری سلیگمن می‌تواند میل به کودک آزاری را کاهش دهد. از این رو پژوهش حاضر بر آن بود تا به این سوال پاسخ دهد آیا آموزش شیوه فرزند پروری سلیگمن بر گرایش به کودک آزاری و خود کار آمدی والدگری مادران دارای سابقه کودک آزاری در شهر اصفهان اثر معنادار دارد؟

### روش پژوهش

این پژوهش از نوع نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون - پس آزمون با گروه آزمایش و گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل کلیه مراجعین مرکز اورژانس اجتماعی در سال ۱۴۰۰ بودند که از بین آنها ۴۰ نفر از مادرانی که دارای سابقه کودک آزاری بودن از طریق نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند و بطور تصادفی در دو گروه ۲۰ نفری جایگزین شدند. این مادران همگی با سواد بوده و حداقل دوره ابتدایی را طی نموده بودند همچنین همه مادران مورد پژوهش بیشتر از ۳۰ سال سن داشتند. همه مادران در زمان انجام پژوهش با همسران خود در حال زندگی بودند و ضمناً سابقه ازدواج قبلی نداشتند و حداقل ۵ سال سابقه زندگی زناشویی داشتند. همچنین محدوده سنی فرزندان این مادران تا ۱۲ سال بود. در این پژوهش ملاک‌های ورود عبارت بودند از: فقدان سابقه بستری به دلیل اختلال روانپزشکی، عدم قرار گیری خانواده در بحران شغلی و اقتصادی و زناشویی، عدم شرکت همزمان در دوره‌های آموزشی دیگر، عدم ابتلای مادران مبتلا به بیماری‌های مزمن جسمی و اعتیاد. همچنین ملاک‌های خروج عبارت بودند از عدم تمایل به شرکت در جلسات، پرخاشگری، توهین یا خارج شدن از موضوع اصلی و عدم همکاری در انجام تکالیف.

### ابزار پژوهش:

**الف). پرسشنامه کودک آزاری یوسفی و شماعی زاده:** این پرسشنامه در سال ۱۳۹۶ ساخته شده و مورد اعتبار سنجی قرار گرفته است. این مقیاس ۱۹ سوالی بوده و چهار خرده آزمون آزار جنسی، جسمی، عاطفی و غفلت را می‌سنجد. آزمودنی جواب پرسش‌ها را در یک طیف ۵ درجه ای از بسیار زیاد تا بسیار

کم انتخاب نموده و پاسخ‌ها از ۱ تا ۵ نمره گذاری می‌شود. در این پرسشنامه حداقل نمره ۱۹ و حداکثر آن ۹۵ می‌باشد. نمره بالاتر در این پرسشنامه نشانه گرایش بیشتر به کودک آزاری و نمره پایین نشانه گرایش کمتر به کودک آزاری می‌باشد. اعتبار محتوایی این پرسشنامه توسط کارشناسان روانشناسی مورد تایید قرار گرفته است. همچنین روایی سازه از طریق عوامل اکتشافی و تاییدی بررسی شده و مورد تایید می‌باشد. برای بررسی پایایی پرسشنامه همسانی درونی این مقیاس مورد آزمون قرار گرفته و آلفای کرانباخ ۰/۸۷ به دست آمده است (شماعی زاده، یوسفی، ۱۳۹۷).

**ب. پرسشنامه خود کارآمدی والدگری:** پرسشنامه خودکارآمدی والدگری توسط دومکا و همکاران (۱۹۹۶) ساخته شده است. این ابزار برای ارزیابی خودکارآمدی والدینی ساخته شده است و شامل ۱۰ سؤال است که پنج عبارت مثبت و پنج عبارت منفی دارد و حس کلی والدین از اطمینان در نقش پدر یا مادر را می‌سنجد. نمره گذاری آن بر اساس مقیاس لیکرت از ۱ (به ندرت) تا ۷ (همیشه) است که حداقل و حداکثر نمره به ترتیب ۱۰ و ۷۰ است. هر چه نمره این مقیاس بالاتر باشد، نشان دهنده خودکارآمدی بیشتر است. همسانی درونی این مقیاس برای مادران انگلیسی زبان که سطح اقتصادی متوسط داشتند دارای آلفای کرانباخ ۰/۷۰ و ضریب پایایی این پرسشنامه در ایران به روش آلفای کرانباخ از ۰/۷۰ تا ۰/۷۶. برآورد شده است. همچنین روایی محتوایی آن توسط سه نفر از اساتید روانشناسی مورد تایید قرار گرفته است (سعادت، یوسفی، گل پرور، ۱۳۹۹).

### روش پژوهش

پس از نمونه گیری و گمارش مادران دارای سابقه کودک آزاری در دو گروه آزمایش و کنترل، به مادران گروه آزمایش شیوه فرزند پروری سلیگمن به مدت ۸ جلسه ۹۰ دقیقه ای به صورت حضوری آموزش داده شد. جلسات به صورت دو بار در هفته و به مدت چهار هفته اجرا گردید، همچنین با وجود محدودیت مربوط به شیوع ویروس کرونا در زمینه تشکیل جلسات، به دلیل عدم توانمندی افراد گروه آزمایش در استفاده از سامانه‌های آموزش مجازی، جلسات به صورت حضوری با رعایت توصیه‌های بهداشتی مربوطه انجام گردید. هر دو گروه به ابزارهای پژوهش به صورت پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری پاسخ دادند. لازم به ذکر است که پیگیری گروه آزمایش و کنترل ۲ ماه پس از اجرای دوره آموزشی انجام شد. به منظور رعایت اخلاق در پژوهش، به آزمودنی‌ها اختیار داده شد که هر زمان میل به انصراف داشتند می‌توانند از دوره آموزشی خارج شوند. همچنین به آنها اطمینان داده شد که اطلاعات آنها کاملاً محرمانه بوده و فقط به منظور کاربرد پژوهشی استفاده می‌گردد. ضمناً مادران گروه کنترل پس از اتمام دوره، آموزش‌ها را به صورت فشرده دریافت نمودند.

**شیوه فرزند پروری سلیگمن:** این برنامه برگرفته از سلیگمن (سلیگمن، ۲۰۱۵) می‌باشد. (کودک خوش بین، ترجمه فروزنده داورپناه (۱۳۹۶)، تهران، رشد، ۳۷۵ صفحه). خلاصه جلسات آموزشی در جدول ۱ آمده است.

جدول (۱) خلاصه مداخلات مربوط به آموزش سبک فرزندپروری کودک خوش‌بین  
بر گرفته از سلیگمن (سلیگمن، ۲۰۱۵)

جلسه	هدف	محتوا	تکلیف
۱	آشنا کردن مادران با طرح آموزشی-آشنایی با انواع سبک‌های فرزندپروری	هدف دوره- ذهن‌انگیزی-معرفی انواع مادر-انواع سبک‌های فرزندپروری-شیوه صحیح فرزندپروری	-تا جلسه بعدی، خوب فکر کنید و بررسی کنید در بیشتر مواقع در قالب کدام یک از مادرها رفتار می‌کنید. - بررسی کنید شما بیشتر در کدام یک از سبک‌های فرزندپروری جا می‌گیرید.
۲	شناخت مادران کارآمد و مادران ناکارآمد-نحوه صحیح برخورد با شکست‌های کودک	ویژگی مادران کار آمد و نا کارآمد- سه اشتباه مهم مادران-نحوه برخورد با شکست‌های کودک- روش صحیح برخورد با شکست‌های کودک	نحوه برخورد با شکست‌های کودک‌تان را یادداشت کنید. از نحوه برخورد صحیح استفاده کنید و در مورد این تجربه در گروه صحبت کنید.
۳	پرورش مردان و زنان قوی و اجتماع‌دوست	مراحل شکل‌گیری مردان و زنان قوی و اجتماع‌دوست از نوباوگی تا کودکی	سعی کنید نکات مربوط به هر مرحله را یادداشت کنید و در برخورد با کودک‌تان از آن‌ها استفاده کنید.
۴	آشنایی با روش‌های غلط مادری کردن- آشنایی با روش درست مادری کردن	مواردی از اشتباهات در مادری کردن و پیامدهای آن - انواع مادری کردن و پیامدهای آن-روشن‌سازی مفهوم پایداری پیامدهای آن- مفهوم تسلط یافتن- درماندگی آموخته شده، اشکال آن و پیامد مادری کردن درست	اشتباهات خود را در برخورد با کودک‌تان یادداشت کنید. بررسی کنید دچار درماندگی شده‌اید و نوع آن را در گروه به اشتراک بگذارید.
۵	آشنایی با خوش‌بینی- سبک‌های علت‌یابی مشکل	روشن‌سازی مفهوم خوش‌بینی انواع سبک‌های علت‌یابی تفاوت سبک‌های علت‌یابی مادران خوش‌بین و بدبین	سبک‌های علت‌یابی مشکلات خود را یادداشت کنید تا مشخص شود بیشتر بدبینانه رفتار می‌کنید یا خوش‌بینانه.
۶	آموزش راه‌های درست سرزنش کردن کودک - آموزش نحوه درست انتقاد از کودک	سرزنش رفتار به جای سرزنش شخصیت - روش درست انتقاد از کودک	هر گاه کودک خود را مورد سرزنش قرار دادید توجه داشته باشید تا رفتار اشتباه را سرزنش کنید نه شخصیت کودک‌تان را. جدولی درست کنید و نحوه انتقاد و سرزنش از کودک‌تان را یادداشت کنید.
۷	آشنایی با عواملی که در عملکرد مادر اختلال وارد می‌کند. منابع ایجاد بدبینی در کودک.	عواملی که در عملکرد مادر اختلال وارد می‌کند و رفع آن‌ها- منابع ایجاد بدبینی در کودک و مقابله با آن	مقیاس درجه افسردگی را پاسخ دهید. اقدامات لازم برای تغییر بدبینی در کودک‌تان را شروع کنید و اقدامات خود را یادداشت کنید و با تیک سبز موفقیت خود را ثبت کنید.
۸	شناسایی کودکان در معرض خطر و آموزش به آن‌ها جمع‌بندی جلسات انجام‌پیکگیری	کودکان در معرض خطر-آموزش‌های خوش‌بینی به کودک- آموزش مهارت‌های مقابله‌ای-آموزش مهارت‌های ابراز وجود-آموزش مهارت‌های اجتماعی پایان دادن به جلسات	با توجه به این که کودک شما در کدام دسته قرار دارد مهارت مورد نیاز او را تقویت کنید. هر گونه سؤال یا ابهامی در آموزش‌ها دارید در گروه مطرح کنید.



## یافته‌ها

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، داده‌ها در دو سطح توصیفی و استنباطی مورد بررسی قرار گرفت. در سطح توصیفی میانگین و انحراف استاندارد محاسبه شد و در سطح استنباطی با استفاده از روش آماری تحلیل واریانس با اندازه‌های تکراری فرضیه‌های تحقیق ارزیابی شدند.

جدول ۲. میانگین و انحراف استاندارد گرایش به کودک آزاری و خودکارآمدی والدگری بر اساس گروه

متغیر	گروه	میانگین	انحراف استاندارد	تعداد
میل به کودک آزاری پیش آزمون	آزمایش	۷۲/۵۵	۶/۶۶	۲۰
	کنترل	۷۱/۹۵	۵/۲۴	۲۰
میل به کودک آزاری پس آزمون	آزمایش	۴۴/۸۰	۱۳/۸۸	۲۰
	کنترل	۷۰/۱	۴/۲۴	۲۰
میل به کودک آزاری پیگیری	آزمایش	۴۲/۸۵	۱۳/۰۲	۲۰
	کنترل	۶۵/۴۰	۴/۴۵	۲۰
خودکارآمدی پیش آزمون	آزمایش	۲۵/۲۷	۷/۹۳	۲۰
	کنترل	۲۳/۴۲	۵/۲۱	۲۰
خودکارآمدی پس آزمون	آزمایش	۴۴/۶۶	۸/۰۳	۲۰
	کنترل	۲۲/۶۳	۳/۹۷	۲۰
خودکارآمدی پیگیری	آزمایش	۴۸/۲۷	۸/۱۴	۲۰
	کنترل	۲۳/۲۱	۲/۸۵	۲۰

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که نمرات گرایش به کودک آزاری و خودکارآمدی والدگری در پس آزمون گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل تغییر کرده است. این نتایج در مرحله پیگیری نیز پایدار مانده است. به منظور بررسی معناداری این تفاوت و با توجه به این که سه بار هر آزمودنی در معرض آزمون گرایش به کودک آزاری و خودکارآمدی والدگری قرار گرفته است از آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌های تکراری استفاده شده است. همچنین نرمال بودن نمرات داده‌ها با استفاده از آزمون شاپیرو ویلک مورد بررسی قرار گرفت. نتایج آزمون شاپیرو و ویلک نشان داد که داده‌ها نرمال هستند. به منظور بررسی برابری واریانس گرایش به کودک آزاری و خودکارآمدی والدگری از آزمون لویین مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این آزمون نشان داد که واریانس گرایش به کودک آزاری و خودکارآمدی والدگری با هم تفاوت معناداری ندارد. این پیش فرض استفاده از آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌های تکراری است که در این پژوهش رعایت شده است. به منظور بررسی کوواریانس متغیرهای گرایش به کودک آزاری و خودکارآمدی والدگری در سه مرحله اندازه‌گیری در کل از آزمون ماچلی استفاده گردید.

**جدول ۳ - نتایج آزمون ماچلی به منظور بررسی برابری واریانس‌های دو گروه در متغیرهای وابسته در سه مرحله اندازه گیری در کل**

منبع تغییرات	f	df	معناداری
گرایش به کودک آزاری	۰/۲۷۸	۲	۰/۰۰
خودکارآمدی والدگری	۰/۴۱۹	۲	۰/۰۰

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که واریانس گرایش به کودک آزاری و خودکارآمدی والدگری در سه مرحله اندازه گیری در کل تفاوت معناداری ندارند و این پیش فرض استفاده از تحلیل واریانس اندازه‌های تکراری در این پژوهش رعایت شده است.

**جدول ۴ - نتایج تحلیل واریانس اندازه‌های تکراری گرایش به کودک آزاری و خودکارآمدی والدگری بر حسب گروه**

منبع تغییرات	متغیرها	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	f	معناداری	مجذوراتا توان آزمون
کودک آزاری	عامل زمان	۶۵۷۰/۳۱۳	۱	۶۵۷۰/۳۱۳	۱۴۴/۶۰۵	۰/۰۰۰	۰/۷۹۲
	عامل گروه	۲۶۷۹/۶۱۲	۱	۲۶۷۹/۶۱۲	۵۸/۹۷۵	۰/۰۰۰	۰/۶۰۸
	خطا	۱۷۲۶/۵۷۵	۳۸	۴۵/۴۳۶			
خودکارآمدی	بین آزمودنی‌ها	۷۴۴۱/۸۷۵	۱	۷۴۴۱/۸۷۵	۴۳/۳۹۹	۰/۰۰۰	۰/۵۳۳
	عامل زمان	۲۴۰۰/۲۸۶	۱	۲۴۰۰/۲۸۶	۱۰۰/۱۸۱	۰/۰۰۰	۰/۷۴۱
	عامل گروه	۲۴۸۹/۷۹۹	۱	۲۴۸۹/۷۹۹	۱۰۳/۹۱۷	۰/۰۰۰	۰/۷۴۸
	خطا	۸۳۸/۵۷۹	۳۵	۲۳/۹۲۲			
	بین آزمودنی‌ها	۷۳۷۸/۳۲۰	۱	۷۳۷۸/۳۲۰	۸۰/۷۸۷	۰/۰۰۰	۰/۶۹۸

با توجه به داده‌های جدول ۴ بر اساس نمرات حاصل از آموزش سبک فرزند پروری سلیگمن اثر اصلی عامل زمان برای متغیر گرایش به کودک آزاری و خودکارآمدی والدگری معنادار می‌باشد. یعنی

میانگین‌های برآورد شده دو متغیر از مرحله پیش آزمون به مرحله پس آزمون و نیز پیگیری دو ماهه در کل تفاوت معناداری را نشان می‌دهد ( $p > 0.01$ ).

اثر اصلی یعنی عامل عضویت گروهی (آموزش سبک فرزند پروری سلیگمن در مقابل عدم آموزش) برای متغیر گرایش به کودک آزاری معنادار بدست آمد. ( $p > 0.01$ ). همچنین تعامل عامل زمان و عضویت گروهی برای متغیرهای کودک آزاری و خود کارآمدی از لحاظ آماری معنادار بدست آمد. این بدین معنی است که بین گروه آزمایش و گروه کنترل تغییر معنا داری در میانگین نمرات گرایش به کودک آزاری و خود کارآمدی از پیش آزمون به پس آزمون بوجود آمده است. پیگیری دو ماهه نیز حاکی از این بود که تغییرات بوجود آمده ثابت بوده است. همچنین توان آماری  $0.01$  برای گرایش به کودک آزاری و خود کارآمدی والدگری حاکی از مناسب بودن حجم نمونه برای چنین نتیجه گیری می‌باشد.  $0.8/60$  درصد از تغییرات گرایش به کودک آزاری و  $0.8/74$  درصد از تغییرات خود کارآمدی والدگری با آموزش سبک فرزند پروری سلیگمن مرتبط است.

### بحث و نتیجه گیری

هدف از این پژوهش بررسی اثربخشی آموزش سبک فرزند پروری سلیگمن بر گرایش به کودک آزاری و نیز خود کارآمدی والدگری در مادران دارای سابقه کودک آزاری بود. نتایج نشان داد که آموزش سبک فرزند پروری سلیگمن به این مادران گرایش به کودک آزاری را کاهش می‌دهد. این یافته با نتیجه پژوهش اشرفی، شریعتی و فتحی آشتیانی (۱۳۹۵) در زمینه اثربخشی آموزش شیوه فرزند پروری مثبت بر اصلاح نگرش نادرست مادران به کودک آزاری و افزایش انضباط قاطعانه آن‌ها، همچنین نتیجه پژوهش رسولی، رضاییان و جولکی (۱۳۹۴) در زمینه تاثیر آموزش‌های شناختی و رفتاری به والدین در کاهش گرایش به کودک آزاری همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت از آنجایی که بخش عمده ای از کودک آزاری‌ها توسط والدین انجام می‌شود برای کاهش کودک آزاری باید مهارت‌های والدین تقویت شده و از شیوه‌های فرزند پروری نامناسب جلوگیری نموده و خود کارآمدی والدگری افزایش یابد. لذا آموزش شیوه فرزند پروری سلیگمن باعث شد تا شیوه‌های رفتاری ناکارآمد خود در تربیت فرزند را شناخته و راه کارهای تربیتی ناکارآمد خود را حذف نموده و تعاملات خود با فرزند را بهبود بخشند. مادران ضمن آموزش با انواع روش‌های کارآمد و ناکارآمد مادری کردن و پیامدهای آن بر رفتار کودک آشنایی پیدا کرده و یاد گرفتند که در زمانی که فرزندشان دچار خطا می‌شوند و در انجام تکالیف خود شکست می‌خورند چگونه با آن برخورد نمایند و به جای سرزنش فرزند خود با وی همدردی نموده و به شیوه خوش بینانه پشتکار و حل مسئله فعالانه را به کودک آموزش دهند تا در زمان شکست به عقب برگشته و مجدد تلاش کنند. همچنین مادران یاد گرفتند به جای استفاده از تنبیه بدنی از روش‌های ملایم تری مثل محرومیت زمان دار استفاده نموده و فرزندان خود را تشویق کنند تا استعدادها و علایق خود را دنبال نمایند.

در بخش دیگری از پژوهش نتایج نشان داد که آموزش سبک فرزند پروری سلیگمن بر میزان خود کارآمدی والدگری مادران دارای سابقه کودک آزاری موثر بوده و باعث افزایش میزان خود کارآمدی والدگری

در مادران شده است. این یافته با نتیجه مطالعه سعادت، یوسفی و گل پرور (۱۳۹۹) در رابطه به تاثیر برنامه ۸ جلسه ای آموزش والدین به شیوه استپ در افزایش کیفیت روابط والد کودک، افزایش خودکارآمدی والدگری و انعطاف پذیری شناختی، همچنین نتیجه حاصل از پژوهش عظیمی فر، جزایری، فاتحی زاده و عابدی (۱۳۹۷) در زمینه اثربخشی بیشتر آموزش سبک فرزند پروری مبتنی بر پذیرش و تعهد در مقایسه با آموزش مدیریت والدین بر خودکارآمدی والدینی مادران دارای کودکان دچار مشکلات رفتاری و نیز نتیجه پژوهش سبزواری و یوسفی (۱۳۹۶) در رابطه با اثر بخش بودن آموزش سبک فرزند پروری آدلری در بهبود روابط مادر و دختر در دختران نوجوان همسو می باشد. در تبیین این یافته می توان گفت که ضمن آموزش سبک فرزند پروری سلیگمن (فرزند پروری مبتنی بر کودک خوش بین سلیگمن) مادران آموختند که تعامل مادر و کودک بر رفتار کودک بسیار تاثیر گذار می باشد. آنان با انواع سبک های فرزند پروری آشنا شدند و آموختند چگونه مقتدرانه عمل نمایند و به فرزندان خود کمک کنند تا مسئولیت اعمال خود را به عهده گیرند. همچنین آموختند که چگونه با اصلاح سبک فرزند پروری و تغییر نگرش ناکارآمد خود در زمینه رفتارهای نادرست کودک که خود واکنشی به رفتارهای ناکارآمد مادر می باشد تعامل خود با کودک را اصلاح نمایند و در نتیجه احساس کفایت و خود کار آمدی بالاتری کنند. الگوگیری سبک فرزند پروری کودک خوش بین ضمن کاهش سورتار با کودک، خود کار آمدی والدگری را در مادران دارای سابقه کودک آزاری افزایش داده و باعث شد تا از نقش مادری خود رضایت بیشتری داشته باشند. پژوهش حاضر محدود به مادران دارای سابقه کودک آزاری بوده لذا در تعمیم نتایج آن به جامعه مردان باید احتیاط نمود. همچنین این پژوهش در شهر اصفهان بوده و در زمینه بکارگیری نتایج آن برای دیگر جوامع باید محتاط بود. معضل کودک آزاری و اثرات آن در رشد کودکان از اهمیت زیادی برخوردار می باشد لذا پیشنهاد می شوند آموزش های مرتبط با فرزند پروری به خصوص سبک کودک خوش بین در کنار سایر آموزش ها چه در مراکز درمانی و در مهدهای کودک مورد توجه قرار گرفته و حتی در صورت امکان همزمان پدران و مادران به یادگیری سبک های مختلف فرزند پروری ترغیب شوند.

## منابع

- اشرفی، عماد؛ شریعتی، بهنوش؛ فتحی آشتیانی (۱۳۹۴). ارزیابی اثربخشی آموزش والدین مثبت بر تغییر نگرش نسبت به کودک آزاری کاهش کودک آزاری در مادران قرچک، ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه علم و فرهنگ تهران.
- امان الهی، عباس؛ شادفر، افروز، اصلانی، خالد. (۱۳۹۷). اثربخشی رابطه درمانی والد-کودک (CPRT) برافزایش پذیرش والدینی مادران و کاهش رفتارهای مخل کودکان. فرهنگ مشاوره و روان درمانی، ۹(۳۶)، ۱۶۳-۱۸۴.
- جمالی نژاد، راضیه (۱۳۹۱). اثربخشی آموزش خلاقیت مادر و کودک بر رفتارهای نادرست کودکان و خودکارآمدی والدین مادران پیش دبستانی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- جمعه نیا، سکینه؛ قربانی، علیرضا (۱۳۹۷). نقش عوامل اجتماعی (خانواده، مدرسه و گروه همسالان) در

اجتماعی شدن دانش آموزان استان گلستان. جامعه شناسی کاربردی، ۱۱۳-۱۲۸.

حاجلو، نادر؛ محجوب، علیرضا؛ بشرپور، سجاد (۱۳۹۸). نقش سبک‌های فرزندپروری، تجربیات کودک آزاری و ایمنی عاطفی در رفتارهای قلدری دانش آموزان، پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی.

حبیبی، سمیرا؛ فلاح، محمدحسین؛ عمویی، مسعود (۱۳۹۲). اثربخشی آموزش والدین در مورد تأثیرات کودک آزاری، ویژگی‌های شخصیتی کودکان، به والدین از طریق نرم افزار آموزش الکترونیکی بر کاهش رفتارهای کودک آزاری والدین در مراکز پیش دبستانی. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی یزد.

حلاج مزیدلویی، مرضیه؛ اصغری، محمد؛ اسداللهی، ملیحه؛ جبریلی، مهناز (۱۳۹۳). بررسی نگرش والدین در مورد کودک آزاری در مراکز بهداشتی درمانی تبریز. تبریز، پایان نامه کارشناسی ارشد، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، دانشکده پرستاری و مامایی.

دانشمند خوراسگانی، مینا؛ یوسفی، زهرا (۲۰۱۸). اثربخشی آموزش گروهی بر اصلاح شیوه فرزندپروری بر اساس اصلاح طرحواره‌های ناسازگار به مادران بر بهبود مشکلات رفتاری کودکان پیش دبستانی. دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، ۱۸ (۴)، ۶۲-۷۱.

داورپناه، فروزنده. (۱۳۹۶). کودک خوش بین. رشد، تهران، رشد.

درخشان پور، فیروزه؛ محمودی قزایی، جواد؛ تهرانی دوست، مهدی؛ شهرپور، زهرا؛ رازجویان، کتایون؛ اسکندری، بهاره؛ پور اعتماد، حمیدرضا؛ حبیبی، مجتبی؛ مظاهری، محمد علی (۱۳۹۴). اثربخشی مداخله شیوه‌های پردازش حسی بر افزایش خودکارآمدی والدین و روابط والد-کودک در کودکان مبتلا به اختلال طیف اوتیسم، آموزش/استثنایی، ۱۶ (۱)، ۱۴ - ۲۱.

رسولی، رویا؛ رضاییان، حمید؛ جولکی، نصرالله (۱۳۹۴). تأثیر آموزش شناختی-رفتاری بر کاهش کودک آزاری والدین دانش آموزان دبستانی در دانشگاه الزهرا (س) تهران.

زندى نیا، زهره؛ زارعی، اقبال؛ زینعلی پور، حسین (۱۳۸۸). خودکارآمدی عمومی و تحصیلی دانش آموزان و ارتباط آن با عملکرد تحصیلی، مطالعات روانشناسی تربیتی، ۶ (۹)، ۱۳-۲۸.

سعادتى، نادره؛ یوسفی، زهرا؛ گلپور، محسن (۱۳۹۹). اثربخشی برنامه آموزش والدین به شیوه استپ (STEP) بر کیفیت روابط والد-فرزندی، خودکارآمدی والدگری و انعطاف پذیری شناختی مادران نوجوانان. علوم روانشناختی، ۱۹ (۹۴)، ۱۳۱۹-۱۳۳۰.

شکوهی، یکتا (۱۳۹۷). اثربخشی کارگاه آموزشی کودک اندیشمند بر مشکلات رفتاری کودکان و خودکارآمدی والدین. مجله علوم روانشناسی ۱۷ (۶۸)، ۱۲۸-۱۳۹.

سبزواری، سهیلا؛ یوسفی، زهرا (۱۳۹۷). اثر بخشی آموزش آدلری بر بهبود روابط مادر-دختر در دختران هنرستانی شهر اصفهان (خوراسگان) طی سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۷. مجله دانشگاه علوم پزشکی جیرفت، ۵ (۲)، ۱۵-۲۶.

شه‌ایان، آمنه؛ شهیم، سیما؛ بشاش، لعیا؛ یوسفی، فریده (۱۳۸۶). هنجاریابی، تحلیل عاملی و پایایی فرم کوتاه ویژه والدین مقیاس درجه بندی کانرز برای کودکان ۶ تا ۱۱ ساله در شهر شیراز. فصلنامه

مطالعات روانشناختی، ۹۷-۱۲۰.

شمایی زاده، ناهید؛ یوسفی، زهرا. (۱۳۹۷). بررسی روابط چندگانه بین پنج عامل شخصیت و تجربه کودک آزاری با ارتباطات خانوادگی در بین مردم اصفهان. *فصلنامه دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*، ۱۹(۳)، ۲۳-۳۴.

علیدوستی، معصومه؛ همتی، زینب (۱۳۹۱). تاثیر آموزش بر اساس مدل بزنف بر نگرش مادران نسبت به کودک آزاری در مراکز بهداشتی شهرکرد. *ششمین کنگره بین المللی روانپزشکی کودکان و نوجوانان*.

عربگل، فریبا (۱۳۹۸). راهنمای مداخلات تخصصی کودک آزاری تهران، سازمان بهزیستی کشور.

عظیمی فر، شیرین؛ جزایری، رضوان السادات؛ فاتحی زاده، مریم السادات، عابدی، احمد (۲۰۱۸). بررسی اثربخشی آموزش فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد بر خودکارآمدی والدینی مادران کودکان دارای مشکلات رفتاری برونی شده. *فصلنامه خانواده پژوهی*. ۴۴-۴۵۷، ۱۴ (۳).

Albanese, A. M., Russo, G. R., & Geller, P. A. (2019). The role of parental self-efficacy in parent and child well-being: A systematic review of associated outcomes. *Child: care, health and development*, 45(3), 333-36.

Chen, M., & Chan, K. L. (2016). Effects of parenting programs on child maltreatment prevention: A meta- analysis. *Trauma, Violence, & Abuse*, 17(1), 88-104

Camilo, C., Garrido, M. V., & Calheiros, M. M. (2020). Parental attitudes in child maltreatment. *Journal of interpersonal violence*, 0886260520943724.

Griffith, A. K. (2020). Parental burnout and child maltreatment during the COVID-19 pandemic. *Journal of family violence*, 1-7.

Kaida, N., & Kaida, K. (2019). Positive associations of optimism–pessimism orientation with pro- environmental behavior and subjective well-being: a longitudinal study on quality of life and everyday behavior. *Quality of Life Research*, 28(12), 3323-3332

Lippard, E. T., & Nemeroff, C. B. (2020). The devastating clinical consequences of child abuse and neglect: increased disease vulnerability and poor treatment response in mood disorders. *American journal of psychiatry*, 177(1), 20-36

Parker, J., & Nemeroff, C. B. (2021). The long-term biological and clinical consequences of child abuse and neglect. *Stress: Genetics, Epigenetics and Genomics*, 57-82

Rudolph, J., & Zimmer-Gembeck, M. J. (2018). Parents as protectors: A qualitative study of parents' views on child sexual abuse prevention. *Child abuse & neglect*, 85, 28-38

seligman. martin, Reivich. karen, jaycox. lisa, & Gilham. jane. (2015). *The Optimistic Child: A Proven Program to Safeguard Children Against Depression and Build Lifelong Resilience*. Kindle Edition. boston. New York.

seligman. Martin-E-P. (2010). *Learned Optimis. how to Change Your Mind and Your Life?* VINTAGE BOOKS. Division of Random House, Inc. New York.

Toth, S. L., & Manly, J. T. (2019). Developmental consequences of child abuse and neglect: Implications for intervention. *Child Development Perspectives*, 13(1), 59-64.

- Wilhelmsen-Langeland, Ane; Aardal, H; Hjelmseth, V; Fyhn, KH; Stige, SH. (2020). An Emotion Focused Family Therapy workshop for parents with children 6-12 years increased parental self-efficacy. *Emotional and Behavioral Difficulties*. 25 (20) 12-24.
- Yang, C., Liu, X., Yang, Y., Huang, X., Song, Q., Wang, Y., & Zhou, H. (2019). Quality of care and suspected developmental delay among children aged 1–59 months: a cross-sectional study in 8 counties of rural China. *BMC pediatrics*, 19(1), 1-11.